

نقش تفکر انتقادی در یادگیری افراد

محمدامین کشاورزی^۱، علی کشاورزی^۲، مجتبی کشاورزی^۳، رقیه کشاورزی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنجان، ramin3677s@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه پیام نور خرامه، ramin3677s@yahoo.com

^۳ کارشناس شیمی کاربردی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزآباد، آموزگار آموزش و پرورش شیراز، ramin3677s@yahoo.com

^۴ کارشناس علوم تربیتی، آموزگار آموزش و پرورش شهرستان خرامه، ramin3677s@yahoo.com

چکیده

این پیچیدگی در تمام نقاط زندگی بشری و در سازمان‌ها و مراکز یادگیری رسمی و غیر رسمی نفوذ کرده است. دستگاه‌های تعلیم و تربیت به خصوص آموزش و پرورش به عنوان متولی اصلی این امر باید با این تغییرات همسو شود. حال این موضوع مطرح می‌شود که گسترش سریع این اطلاعات در یادگیری دانش آموزان چه نتیجه و تاثیری دارد؟ به نظر می‌رسد می‌توان پیش بینی کرد که این امر سبب افزایش آگاهی و دانش به‌روز دانش‌آموزان و در نهایت ایجاد تفکر انتقادی شود.

در عصری که کتاب‌های درسی قبل از درآمدن از زیر چاب کهنه می‌شوند و بیش تر مشاغل، نوآوری‌های سریع و مداوم را تجربه می‌کنند، ناگزیر باید هدف‌های غایی و کلی تعلیم و تربیت تغییر یابند و به پرورش شیوه‌ی تفکر انتقادی در افراد به عنوان یکی از هدف‌های اصلی تعلیم و تربیت، بیشتر توجه شود. همچنین، در فرایند آموزش باید ضمن تقویت روحیه‌ی انتقادپذیری در معلمان، روحیه‌ی انتقاد کردن و زمینه‌ی بررسی و تحقیق را در شاگردان به وجود آورد. [۲] پس لازم است برنامه درسی که شاکله اصلی نظام تعلیم و تربیت است، پرورش دهنده‌ی مهارت‌های تفکر انتقادی باشد. از تفکر انتقادی تعریف‌های گوناگونی شده است که در این جا به اختصار به دو مورد اشاره می‌کنیم.

نخست تفکر انتقادی، تفکری است مستدل و منتقدی در جهت بررسی تجدید نظر در عقاید، نظرات، اعمال و تصمیم‌گیری درباره‌ی آن‌ها بر مبنای دلایل و شواهد مؤید آن‌ها و نتایج درست و منطقی که پیامد آن هاست. [۳] در تعریف دیگری که سازمان روان شناسی آمریکا از تفکر انتقادی ارائه داده، آمده است: ما تفکر انتقادی را این گونه درک می‌کنیم که باید قضاوت خود ساخته و هدفمندی باشد که به تفسیر، تحلیل، ارزیابی و استنباط منجر می‌شود. علاوه بر این توضیح متکی به دلیل و مدرک، توضیح مفهومی، منظم، ضابطه مند یا ملاحظات متنی که برپایه‌ی آن قضاوت انجام شده است، را هم در برمی‌گیرد. لیمپن میان تفکر عادی و تفکر انتقادی تمییز قایل می‌شود تفکر عادی، ساده و فاقد ملاک است،

هدف از نگارش این مقاله بررسی تفکر انتقادی و تاثیر آن در میزان یادگیری دانش آموزان است. امروزه با وجود تغییرات بسیاری که در فناوری و زندگی بشر به وجود آمده است دیگر نمی‌شود یادگیری هر مطلب بدون چون و چرا باشد؛ این موضوع به خصوص در آموزش و پرورش هر کشور به عنوان مجری اصلی تعلیم و تربیت هم قابل صدق است. واضح است که یادگیری بدون چون و چرا در عصر حاضر کاربردی ندارد و همین موضوع باعث رشد سطح تفکر و توانایی نقد در دانش آموزان می‌شود که از اقدام این دو تفکری با نام انتقادی به وجود می‌آید. از مهمترین اهداف ایجاد تفکر انتقادی می‌توان پرورش فردی با قدرت تحلیل و نقد همراه با تفکر و قضاوت صحیح یاد کرد. ضرورت‌های بسیاری برای ایجاد این تفکر بیان شده که اهم آن ریشه در وجود انسان دارد چون دائماً میل به واکاوی و جستجو گری دارد. موانعی بسیاری هم در آموزش و پرورش این تفکر وجود دارد از جمله عدم علاقه و عدم وجود انگیزه؛ مثلاً در برخی از مدارس امروزی به دلیل توجه به برخی از رویکردهای روانشناختی به این موضوع بی‌توجهی شده و فقط بر انتقال مفاهیم صرف کفایت می‌کنند و از پرورش دانش آموز خلاق و متفکر فاصله گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی

تفکر انتقادی، یادگیری، آموزش، آموزش و پرورش.

مقدمه

دردنیای پیچیده‌ی امروز، تغییرات زیادی در زندگی بشری در حال وقوع‌اند و شاهد رقابت‌های بسیار فشرده‌ی جوامع در دستیابی به فناوری برتر هستیم. به نظر می‌رسد که فرد و جامعه مجبورند، به طریقی در وضعیت خویش دگرگونی ایجاد کنند تا از قافله‌ی علم، فناوری و پیشرفت عقب نمانند. موضوع آموزش و پرورش نیز از این قاعده مستثنا نیست. چرا که دانش‌آموز قرن بیست و یکم نمی‌تواند عنصری بی‌اختیار باشد که چگونه یاد گرفتن هم از اختیار او خارج باشد و هیچ گونه دخل و تصرفی در آنچه می‌آموزد، نداشته باشد. برنامه‌های از پیش تعیین شده و بی‌چون و چرا، جوابگوی مسائل او نیستند. [۱]